



بسمه تعالی

گزارش چکیده پایان نامه / رساله  
فارسی و انگلیسی



نام و نام خانوادگی دانشجو:	علی اصغر بنیادی	رشته تحصیلی:	علوم سیاسی	مقطع تحصیلی:	کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع:	۱۴۰۰/۱۱/۳۰
نام استاد راهنما	دکتر محمد بابایی	نام استاد مشاور	دکتر استاد سید علی منوری	نام استاد/ اساتید داور	دکتر احمد بستانی		
عنوان پایان نامه / ساله:	مقایسه مفهوم دشمن در سینمای هالیوود قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر						
بیان مسئله:	<p>امریکا به عنوان قدرت برتر در زمینه های اقتصادی، نظامی و فرهنگی به رغم داشتن رقبای قدرتمندی مانند چین، روسیه و اتحادیه اروپا توانسته خواسته های خود را در سطح جهانی اعمال کند. در اهمیت توجه بر ایده وابستگی هژمونی به قدرت نظامی نظریه پردازان آمریکایی خصوصا نظریه پردازان نومحافظه کار معتقدند دموکراسی فی نفسه و به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی پیشرو قادر به بسط و باز تولید هژمونی نیست. به باور آنها اگر دموکراسی ضعیف بماند و علیه استبداد که همواره توسعه طلب است قد علم نکند هیچگاه نخواهد توانست بر جامعه حاکم شود، پس حتی اگر لازم باشد دموکراسی باید به زور متوسل گردد. (پورحسن، ۱۳۸۵: ۱۳)</p> <p>اندیشمندان حوزه اقتصادی هم با بسط نفوذ اقتصادی کشورهای قدرتمند در جهان و پیامد آن زنجیره وابستگی بین المللی را عامل ایجاد و بازتولید هژمونی محسوب می کنند. اما آنچه بیش از بقیه ضامن بقای هژمونی آمریکا است، برتری فرهنگی این کشور است که بوسیله هالیوود، رسانه ها و شبکه های اجتماعی فراگیر بازنمایی می شود. در تعریف سینما صاحبان نظر بیان میکنند که کاربرد سینما در درجه اول در جهت سرگرم کردن بینندگان است. سینما به عنوان یک هنر/ صنعت و نیز پدیده ای که در قرن بیستم توانست با کمک از هنرهای دیگر و همچنین با بهره بردن از تکنولوژی روز با بوجود آمدن ژانر یا گونه های سینمایی در انتقال مفاهیم و تاثیرگذاری بر مخاطب خود گوی سبقت را از دیگر رسانه ها برآید. این ویژگی ها باعث شد کانون های قدرت و ثروت در جهت رسیدن به مقاصد خود سینما را به عنوان یک ابزار</p>						

موثر انتخاب کنند.

دولتها نیز سینما را بهترین محل در جهت تاثیرگذاری بر اذهان توده جامعه یافتند. حمایت دولتها از تولیدات سینمایی به دو صورت انجام می گرفت. اول فیلمهایی که به صورت آشکار سعی در انتقال منویات مورد نظر دولتمردان و تاثیرگذاری سریع و آشکار بر مردم در مقطع زمانی خاصی را داشت مانند فیلمهایی که در زمان جنگ با هدف تهیج احساسات و سعی در حمایت و شرکت مردم در جبهه های جنگ تولید میشد. دسته دوم فیلمی بود که نه در یک مقطع و بر روی موضوعی خاص بلکه بصورت مداوم با تکیه بر موضوعات متفاوت و حتی در ژانرهای مختلف سینمایی با هدف القای یک مفهوم خاص ساخته میشد. آمریکا با دارا بودن بزرگترین استودیوهای فیلمسازی و شبکه های تلویزیونی بیشترین تاثیر را بر اذهان در سراسر جهان دارد. اما هدف و مقصود همه این تولیدات یک چیز بود، وجود یک تهدید/ دشمن و موجه جلوه دادن اعمال و رفتار سیستم حاکم. بر خلاف تولیدات دسته اول که پیام آن بصورت واضح توسط مخاطب دریافت می شد لازم بود تا در تولیدات دسته دوم پیام به صورت نرم و در ناخودآگاه مخاطب رسوخ کرده و تاثیری بلند مدت و ماندگار داشته باشد. تولید کنندگان این آثار میکوشند تا از تمام توان تصویر به عنوان بنیان فیلم و سینما و چیزی که قادر است از مفهوم حاد واقعیت **Hyperreality** استفاده کند، تاثیری ماندگارتر در ذهن مخاطب بر جای بگذارند. سازندگان این آثار از توان سینما که قادر است علاوه بر ژانرهای (گونه هایی) که میتواند به صورت مستقیم یک فیلم سیاسی باشد مانند فیلمهای جنگی و یا جاسوسی، در گونه های دیگر سینمایی مانند فیلمهای علمی تخیلی، انیمیشن ها، فیلمهای ابرقهرمانی و یا حتی فیلمهای ورزشی استفاده کرده و پیام فیلم که میتواند یک پیام سیاسی و ایدئولوژیک باشد را به صورت غیر مستقیم انتقال دهند. پس از جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق و کمونیسم، خاورمیانه و آغاز جنگ خلیج فارس مناسب ترین مکان و زمانی بود که آمریکا میتواند دشمن دیگری را که در برابر نظم نوین جهان باشد را جستجو کند. اما بدون شک حادثه 11 سپتامبر نقطه ای بود که میتوان تولیدات سیاسی هالیوود را به قبل و بعد از آن تقسیم کرد. حادثه 11 سپتامبر چنان عظیم بود که توانست اجماع و نزدیکی خاصی بین نهاد های حکومتی و دست اندرکاران صنعت سینما را بوجود آورد. این نزدیکی تا آنجا پیشرفت که برخی از آثار سینمایی و تلویزیونی به دستور و یا با همکاری نهادهای بالای حکومتی حمایت، تولید و پخش میشود. به عنوان مثال میتوان از فیلم سی دقیقه پس از نیمه شب

<p>ساخته کاترین بیگلو در سال 2012 نام برد که به سفارش و با حمایت کامل اطلاعاتی پنتاگون ساخته شد. لازمه درک این مفاهیم از دل تصاویر خوانش تصویر و یا رمزگشایی از المانهای تصویری است. در حوزه رسانه‌ها از واژه «بازنمایی» برای شناخت و خوانش این المان‌ها استفاده می‌شود. (در بخش چهارچوب نظری و روش تحقیق واژه بازنمایی تعریف شده است) ضرورت مطالعه در حوزه بازنمایی تصویر (در اینجا سینما) باعث میشود که مخاطب از جایگاه یک هدف منفعل برای تولید کننده محصول خارج شده و در مقام یک سوال کننده به دنبال پاسخ مناسب و فهم محصول (فیلم) باشد. این پژوهش قصد دارد تا به بازنمایی مفهوم دشمن در سینمای هالیوود و همچنین مقایسه مفهوم دشمن در زمان قبل و بعد از حادثه 11 سپتامبر سال 2001 بپردازد.</p>	
<p>روش تحقیق در این پایان نامه با استفاده از روش نشانه شناسی انجام خواهد گرفت. به لحاظ کار بردی نیز بر اساس مدل ون لیوون عمل میشود. همچنین از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف نیز به عنوان یک رویکرد مکمل استفاده خواهد شد.</p> <p>چهارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه بازنمایی خواهد بود. منظور از بازنمایی این است که یک رسانه هیچ گاه ابزاری خنثی و یک میانجی بی طرف در ارائه تصویر به حساب نمی‌آید؛ زیرا رسانه، متکی به زبان و معنا است و زبان و معنا نیز در چارچوب گفتمان همواره متکی به قدرت است. لذا بازنمایی حوادث توسط رسانه‌ها سوای بحث اخلاقی و غیر اخلاقی بودن آن دارای سوگیری ایدئولوژیک است و در راستای تضعیف یا تثبیت قدرت و گفتمان ویژه‌ای گام برمی‌دارد.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>1-2 پرسش‌های پژوهش 1-2-1 پرسش اصلی: در مقایسه بین دو دوره قبل و بعد از 11 سپتامبر مفهوم دشمن با چه ویژگی‌هایی بازنمایی میشود ؟</p>	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>

2-2-1 پرسشهای فرعی:

1. مفهوم بازنمایی در سینما چیست و چه ابعادی دارد؟

2. زمینه ها و علل روی آوردن سینمای هالیوود به ایجاد مفهوم دشمن کدامند؟

3. سیر تحول مفهوم دشمن در سینمای هالیوود چگونه بوده است؟

4. مفهوم دشمن در سینمای هالیوود قبل از 11 سپتامبر با کدام ویژگی ها بازنمایی شده است؟

5. مفهوم دشمن در سینمای هالیوود پس از 11 سپتامبر چگونه بازنمایی شده است؟

روند پژوهش:

وضعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا و جهان از پایان جنگ سرد تا بحران اقتصادی سال 2007

جمع آوری داده ها: نشانه ها

جمع بندی: نشانه ها و بازنمایی ها

مهمترین یافته ها:

در جمع بندی که در هر 4 فیلم مشترک بود و به نظر می رسد که تفاوت معناداری بین مفهوم دشمن قبل و بعد از یازده سپتامبر وجود ندارد. در واقع دشمن مسلمانان هستند. اما نشانه شناسی به ما کمک کرد تا نگاه متفاوت تری به بازنمایی مفهوم دشمن در فیلم ها داشته باشیم. با وجود شباهت های بسیار زیادی که در فیلم ها وجود دارد تفاوت های اساسی نیز در بازنمایی مفهوم دشمن پیش و پس از 11 سپتامبر وجود دارد. در واقع فاصله نزدیک به یک دهه ای که بین فیلم های مورد بررسی این تحقیق وجود دارد نشان می دهد مسلمانان به عنوان مفهوم کانونی به شکل متفاوتی در دو دوره بازنمایی می شوند. باتوجه به عظیم بودن ابعاد حادثه یازده سپتامبر بازنمایی که در سینمای هالیوود از مفهوم دشمن در دوره بعد از این حادثه به نمایش گذاشته می شود تغییرات اساسی با دوران قبل از این حادثه دارد. اگر در دوران قبل از حادثه چهره دشمن به صورت اغراق شده به تصویر کشیده میشد و قهرمان فیلم نیز با

ویژه گیهای غلو شده یک تنه به مبارزه علیه دشمن میرفت، در دوران بعد از حادثه یازده سپتامبر چهره دشمن مشخص تر شد، هویت مند شد و انگیزه رادیکالیسم او از دشمنی از یک حالت انتزاعی، غیرمنطقی و چیزی که در ذهن کارگردان شکل میگرفت به سمت انگیزه های واقعی متناسب با اتفاقات روز در منطقه خاورمیانه تغییر کرد. در این دوران رادیکالیسم دشمن بیشتر از آنکه نشانگر خوشونت آن باشد، بیانگر مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک اوست. نیروی مقابله کننده با دشمن نیز از قامت قهرمان هالیوودی تغییر میکند و نیروهای رسمی و دولتی آمریکا به مقابله با دشمن می پردازند.

تأیید استاد راهنما

